

## خانواده « کوپرن »

۷ سال پیش از اینکه « وِوالدی » چشم بجهان گشاید و هفت سال پیش از تولد « باخ » در کشور فرانسه آهنگساز بسیار بزرگی پدید آمد که چون « وِوالدی » در تاریخ « موسیقی خالص » مقامی بسیار والا احراز کرده

است . این آهنگساز « فرانسوا کوپرن » ( F . Couperin ) نام داشت و تاریخ

موسیقی ویرا بنام « کوپرن کبیر »

میشناسد . وی رئیس خانواده‌ای

بود که داستانی جالب و شگفت‌انگیز

دارد :

یک روز تابستان ، نجیب -

زاده‌ای « شامپوینر » نام که در

اقامتگاه مجلل خود مجلس بزمی

برپا ساخته بود ، پس از صرف غذا

صدای موسیقی‌ای بگوشش رسید

که بوسیله چند نوازنده دوره کرد

بای پنجره منزلش نواخته میشد . استادی نوازندگان مزبور چنان مورد اعجاب او

قرار گرفت که بلافاصله بدیدارشان شتافت و جلودرسه جوان ۲۶ ، ۲۱ و ۱۵ ساله

در برابر خود یافت که از دهکده موطن خود برای تجلیل موسیقی‌دانی که مورد علاقه‌شان

بود آمده بودند ( نجیب زاده‌ای که ذکرش رفت از موسیقی‌دانان نسبتاً مشهور گذشته



فرانسه است و در تاریخ موسیقی نیز مقام قابل ملاحظه‌ای بعنوان نوازنده کلاوسن و آهنگساز دارد). «شامبوینه‌ر» شیفته قریحه زودرس و زبردستی آن سه شد و وقتی که دریافت که آنان نوازنده ویلن و ارگ نیز هستند آنها را تحت حمایت خود گرفت و مدتی بعد به‌مراه خود بیاریس برد.

مهربانی و حمایت «شامبوینه‌ر» از این سه هنرمند جوان در تاریخ موسیقی فرانسه اهمیتی فوق‌العاده داشت. سه جوان مزبور سه تن از هشت فرزند ملاک کوچکی بودند که از محصولات انکورملک خود امرارمعاش مینمود و «شارل کوپرن» نام داشت و ظاهراً از نوازندگی ارگ هم بی‌خبر نبوده است.

وضع خانواده «کوپرن» بی‌شبهت بخانواده باخ نیست زیرا خانواده کوپرن نیز از تعداد کثیری نوازنده و آهنگساز مشهور تشکیل میشود که در طی چندین نسل موسیقی - دانان پراراجی پرورانده است. از این لحاظ خانواده کوپرن دامنه‌اش وسیعتر بوده است بدین معنی که در مدت بیش از دو قرن کلیه نوازندگان ارگ یکی از کلیساهای مشهور فرانسه جملگی از این خانواده بوده‌اند. دوران سلطه هنری این خانواده از عهد لویی چهاردهم آغاز شده تا دوره ناپلئون سوم ادامه یافته است.

مسن‌ترین سه جوانی که ذکر کردیم «لومی»، «دومی» «فرانسوا» و «سومی» - چون پدرش - «شارل» نام داشت.

«شامبوینه‌ر» بیش از همه لومی را مورد توجه قرار داد، ویرا بدر بار معرفی نمود و در خدمت شاه بکارش گماشت. کار لومی بزودی بالا گرفت و بسمت نوازنده ارگ کلیسای سلطنتی منصوب شد. لومی چهاردهم در نظر داشت که عنوان «موسیقی‌دان درباری» را - که عنوانی بسیار محترم و پردرآمد بود - بوی اعطا نماید ولی از آنجا که این عنوان و سمت هنوز به «شامبوینه‌ر» تعلق داشت «لومی کوپرن» از قبول آن عذرخواست.

لومی کوپرن در دوره‌ای میزیست که یک ساز جدید یعنی کلاوسن جایگزین ساز معمولی آن دوره، یعنی «عود» می‌گشت. لومی - همچون «شامبوینه‌ر» اهمیت این تحول را بخوبی دریافت. در آن دوره اینکه بتوان سیم‌بولادی را بوسیله یکی دو کلاویه بارتعاش درآورد یا آنها را با ملایمت بوسیله پرنسبه لطیفی بصدا درآورد، کشفی مهم و بیسابقه بشمار میرفت. لومی کوپرن، گذشته از کلاوسن، در مورد سازهای زهی نیز تحقیقات و مطالعاتی نمود ولی متأسفانه بسن ۳۵ سالگی، پیش از اینکه بتواند همه قریحه و قدرت خود را بظهور برساند، درگذشت.

«فرانسوا» برادر لومی نیز موسیقی‌دانی بسیار قابل بخصوص استاد کلاوسن مشهوری بود. در مورد وی باید دانست که این فرانسوا غیر از «فرانسوا» ی ملقب به کبیر می‌باشد. درباره فرانسوا اول (برادر لومی) نقل کرده‌اند که مردی می‌خواره





بود و شاگردانش در حین درس پیوسته چندین بطر شراب در دسترسش می‌نهادند تا بدین وسیله مدت درس را طولانی تر نمایند... فرانسوا بسن ۷۱ سالگی بدرود زندگی گفت و بر خلاف آنچه ممکنست بنظر برسد از بیماری کبد جان نداد بلکه از یک تصادف کاسالسه از این جهان رخت بر بست ...

شارل، سومین جوانی که در مورد حمایت «شامبوینر» قرار گرفت پسر «فرانسوا کوپرن» مشهور ملقب به کبیر است. وی مدت بیست سال یکی از بزرگترین نوازندگان ارگ دوره خود بود. «فرانسوا»ی کبیر فرزند وی پس از مرگ پدر جانشین وی در نوازندگی ارگ شد، سپس پنخمت دربار درآمد و در ۲۵ سالگی، از طریق مسابقه، بنوازندگی ارگ کلیسای سلطنتی «ورسای» انتخاب شد و چندی بعد بسمت معلم موسیقی ولیعهد و کودکان دربار منصوب گردید. آثار موسیقی مذهبی وی، که جر قسمت اندکی از آن بدست نیامده در همان دوره نوشته شده است. این امر جای تأسف است زیرا در نوشتن آثار موسیقی مذهبی، چون در آثار دیگر، کوپرن کبیر آهنگسازی همتا بوده است.

چند سال پیش هنگامی که قطعه موسوم به «درسهای تاریکی‌ها» (Leçons de Ténèbres) برای نخستین بار پس از مدت‌ها فراموشی اجرا گردید شنوندگان، حیرت زده شدند و در برابر شاهکاری عظیم و پرهیجان می‌یافتند، زیرا از میان آثار متعدد کوپرن کبیر فقط قطعات سبک و سبلی مشهور شده و عمومیت یافته است.

کوپرن کبیر تقریباً کلیه فعالیت‌های خلاقه خود را در مورد ارگ و کلاوسن بکار انداخت. آنچه در این میان موجب تعجب است اینکه وی با اینکه در محیط دربار زندگی میکرد هرگز در صد نوشتن اپرا و موسیقی غنائی بر نیامد. بنظر میرسد که قدرت تخیل وی - که در آثار موسیقی مجلسی وی بارز است - اگر در مورد اپرا نیز بکار می‌افتاد شاهکارهایی کم نظیر بیارمی آورد. زیرا آثار کلاوسن او در حقیقت تشکیل یک تاریخچه شب بازی بسیار زیبایی میدهند که کوپرن کبیر در آنها همه نکته سنجی و طبع شوخ خود را نشان داده است. بر آثار موسیقی مجلسی کوپرن کبیر قطعاتی نیز برای موسیقی مذهبی و چندین آواز نوشته است که بوسیله دختر عمویش «لوئیز» (دختر فرانسوا کوپرن اول) در حضور شاه خوانده میشد.

کوپرن کبیر هنرنندی متواضع و علاقمند بخانواده خود بود ، و وظیفه شناس و دقیق بود که هرگز خود را در معرکه پر آشوب و دسیسه بازی محیطی که زندگی میکرد وارد نمیساخت . هنگامی که وی نخستین سونات های کلاوسن خود را نوشت جرأت نکرد که آنها را در کنسر اجرا نماید و با استفاده از اسم « کرلی » قطعات مزبور را با اسمی ایتالیائی بشنوندگان عرضه داشت زیرا در آن دوره آثار آهنگسازان ایتالیائی در فرانسه حسن استقبال می یافت . وی در چاپ و انتشار آثار خود هم اصرار و شتابی نمی ورزید و جز « هنر نواختن کلاوسن » ( Art de toucher le clavecin ) و یکی از دفترهای « درسهای تاریکی ها » ، « کنسرهای شاهانه » ، چهار کتاب « قطعات کلاوسن » و چند قطعه دیگر در مدت زندگی خود چیز دیگری بچاپ نرساند .

چهار کتاب « قطعات کلاوسن » وی شامل ۱۱۵ قطعه است که به ۲۷ فصل تقسیم میشود . این فصلها را کوپرن کبیر « ردیف » ( Ordre ) نامیده است . در آن دوره « سوئیت » هنوز فورم کلاسیک خود را باز نیافته بود . کوپرن یک رشته رقص را که اوزان و حرکاتی مختلف داشت پشت سر هم گرد میآورد ( منوئه ، گاووت ژیکه ، کورانت ، سارا بانند آلمانند ، پاوان ... ) ولی این قطعات قطعه واحدی را تشکیل نمیدادند . « ردیف » های مزبور گاهی از بیست قطعه ترکیب می یابد ، و از این امر چنین بر می آید که « ردیف » را ، برخلاف « سوئیت » ، بصورت کامل نمیتوان خوانند . کلمه « ردیف » بجموعه ای اطلاق میشد که چندین قطعه را که در یک تونالیتة واحد - بزرگ یا کوچک - نوشته شده بود در خود جمع میکرد ، ولی این قطعات هر کدام شخصیت جداگانه خود را حفظ میکرد . کوپرن کبیر بهر کدام از قطعات مزبور عنوان جالب و گاه عجیبی مینهاد . این موسیقی دان که از بزرگترین اساتید « موسیقی خالص » بود با اینحال قطعات خود را بمناسبتی نام میکشاد و از این راه بنوازنده آنها یک تصویر ، یک فکر یا احساسی را القاء و تلقین مینمود . این کاریست که دو بوسی هم ( که با آثار کوپرن علاقه بسیار داشت ) در مورد « پرلود » های خود کرده است . کوپرن ، برخلاف ستر اوینسکی از دوره ما ، معتقد نبود که « موسیقی نباید و



نمیتواند چیزی را بیان نماید » ، بلکه برعکس موسیقی را قادر به بیان همه چیز میدانست . وی نقاشی ها و تصاویر صوتی بسیار جالبی از خود بیادگار گذاشته است که با اصطلاح بسیار « شبیه » هم هست کوپرن بوسیله موسیقی حتی تصویر زنان جوانی را که میشناخت ساخته است از قبیل « ترز مهربان » ، « ژاووت زیبا » ، « مسادلون




ظریف « ، «میعی» ، «سوفی» و غیره ... گاهی هم فقط بتوصیف اخلاق آن ها اکتفا میورزید : «شاهانه» ، «محتاط» ، «دکیج» ؛ وی ازدکار یکاتورسازی صوتی، هم خودداری نمیکرد و برای نقاشی های موسیقی خود از داستانهای فکاهی و شخصیت های قصه های معروف هم الهام میگرفت .

بطور خلاصه میتوان گفت که وی ، چون « والت دیسنی » ، در دوره خود و بوسائل موسیقی ، قهرمانان خیالی و خیال انگیزی بوجود آورده بود .

کوپرن کبیر دو دختر داشت که یکی نوازنده بسیار قابل ارک بود و بخدمت کلیسا درآمد و ترک دنیا گفت و دومی هم شوهر اختیار نکرد . ولی با اینحال نسل «کوپرن» - ها پس از مرگ کوپرن کبیر ادامه یافت . برادرزاده وی «نیکولا» - فرزند فرانسوای اول - نیز آهنگسازی پرقریحه و « ویرتوئوز» بزرگ ارک بود . دو فرزند وی هم ارکانیست های زبردستی بشمار میرفتند . دختر فرزند دوم فرانسوای اول هم - که نوازنده ارک بود - تا نیمه دوم قرن نوزدهم سلطه و نفوذ هنری خانواده کوپرن را ادامه داد و بنوازندگی ارک همان کلیسایی رسید که اعضای خانواده وی از دو قرن و اندی پیش پیوسته و منحصرأ نوازنده ارک آن بودند .

نبوغ کوپرن کبیر و دیگر اعضای خانواده کوپرن یکی از درخشان ترین و جالب ترین فصول تاریخ موسیقی فرانسه بحساب میآید .

اقتباس و ترجمه ك . هورمزد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی